

بررسی تحلیل فضایی کانون‌های جرم خیز در سطح محله‌های شهر یزد با تأکید بر برنامه‌ریزی فرهنگی

میرنجف موسوی* - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه ارومیه

پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۰۶/۱۰ تأیید نهایی: ۱۳۹۲/۰۸/۲۵

چکیده

جرم پیش از آنکه پدیده‌ای جبرگرایانه و ناشی از عوامل تغییرناپذیر محیط طبیعی باشد، پدیده‌ای اجتماعی و متأثر از شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و مکان جرم است. این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و جامعه آماری آن، ۴۲ محله شهر یزد براساس تقسیم‌بندی شهرداری است. یافته‌های پژوهش براساس آزمون تخمین تراکم کرنل نشان می‌دهد محله‌های امام‌شهر، آزادشهر، کوی فرودگاه، صفائیه و آتشکده، بیشترین میزان جرم را دارند. همچنین نقطه مرکز متوسط نشان می‌دهد توزیع انواع جرم (اعتیاد، کودکان‌ریایی، شرب خمر، مزاحمت‌های خیابانی و چک برگشتی) تقریباً از بخش مرکزی شهر (مرز محله‌های خرمشاد و سر دوراهی) آغاز می‌شود و به سمت محله‌های امام‌شهر و آزادشهر در شمال و شمال غرب و محله‌های اکبرآباد و کوی راه‌آهن در سمت جنوب و جنوب غرب خاتمه می‌یابد. جهت بیضی انحراف معیار نیز برای انواع جرم، شمالی-جنوبی است و براساس شاخص نزدیک‌ترین همسایه، جرایم اعتیاد، شرب خمر و کودکان‌ریایی به صورت خوشه‌ای و مزاحمت‌های خیابانی و چک برگشتی به صورت تصادفی در سطح محله‌های شهر یزد توزیع شده‌اند. در نهایت، مقدار F در ضریب رگرسیون در سطح ۹۹ درصد، معناداری رابطه میان عناصر فرهنگی-مذهبی و ارتکاب انواع جرم در محله‌های شهر یزد را تأیید می‌کند. برای کاهش میزان جرم، راهکارهایی چون آسیب‌شناسی فضاهای کالبدی، اطلاع‌رسانی و برنامه‌های آموزشی-فرهنگی خانواده‌ها در زمینه پیشگیری از وقوع جرم و تبلیغ ارزش‌های اسلامی پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: برنامه‌ریزی فرهنگی، تحلیل فضایی، شهر یزد، کانون‌های جرم خیز، محله‌ها.

مقدمه

امروزه ساکنان مناطق شهری در سراسر جهان به طور چشمگیری افزایش یافته‌اند و به دلیل جهانی‌شدن، در دو دهه آینده انتظار می‌رود این افزایش جمعیت، بیش از هر زمان دیگری باشد. جمعیت بسیاری از شهرها بدون در نظر گرفتن ظرفیت‌ها و توان‌های هر شهر و امکانات اجتماعی آن‌ها روزبه‌روز در حال افزایش است (آدیایو و دیگران، ۲۰۱۱: ۳). با گسترش فیزیکی و اجتماعی شهرها و تبدیل شدن آن‌ها به مراکز ناهمگن جمعیتی، اجتماعی و فرهنگی، افزایش میزان ناهنجاری‌های شهری به‌ویژه در نواحی مرکزی و همچنین افزایش ناهمگنی جمعیتی و اجتماعی و فقر اقتصادی، زمینه بروز آسیب‌های شهری و رشد بی‌رویه و لجام‌گسیخته ناهنجاری در شهرها را فراهم آورده است (نصیری، ۱۳۸۲: ۹۱). در جوامع مختلف، شناخت جرم و بزهکاری به طرز تفکر، فرهنگ، پیشرفت و عقب‌ماندگی آن جامعه بستگی دارد (مافی، ۱۳۷۸: ۱۳۳). در بررسی‌های جغرافیایی جرائم شهری، بر چهار عامل کلیدی قانون، مجرم، بزه‌دیده (شیء یا شخص) و مکان جرم (محدوده خاص زمانی و مکانی که وقایع مجرمانه در آن اتفاق می‌افتد) بسیار تأکید می‌شود (کلانتری، ۱۳۸۰: ۶۳-۶۴). در نتیجه، ممکن است انجام رفتاری در یک جامعه، عادی و در جامعه دیگر جرم محسوب شود؛ بنابراین می‌توان گفت هرگونه رفتار خلاف اجتماعی و غیر قانونی که ارتکاب آن مجازات و جریمه معینی داشته باشد، جرم نامیده می‌شود. در این ناهنجاری‌ها و جرایم اجتماعی، عوامل متعددی از جمله اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دخالت دارند (سلطانی، ۱۳۷۴: ۱۱۹). در این زمینه، مکتب اکولوژی شیکاگو با رویکرد محیط‌شناختی خود، شهر را نظامی پیچیده، متشکل از افراد و نهادهای وابسته به هم می‌داند که یک نظم اجتماعی در پدید آمدن خرده‌فرهنگ‌ها و بیگانه‌گرایی در آن‌ها نقش داشته است (فکوهمی، ۱۳۸۵: ۸). در این شهر، افراد براساس تقسیم اقتصادی مشاغل، طبقات اجتماعی و گروه‌های فرهنگی جای می‌گیرند و ممکن است موقعیت بعضی از آن‌ها با یکدیگر متعارض باشند (افروغ، ۱۳۷۷: ۹۵). در نتیجه، ویژگی‌های کالبدی و خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حاکم بر بعضی محدوده‌های شهری، موجب شکل‌گیری فرصت‌ها و اهداف مجرمانه می‌شود. بدین ترتیب، با گسترش شهرها، در محدوده آن‌ها کانون‌هایی شکل می‌گیرند که جرائم بیشتری از محدوده‌های دیگر دارند (کلانتری و توکلی، ۱۳۸۶: ۷۵)؛ بنابراین، میزان جرایم شهری با گسترش شهر (شکویی، ۱۳۷۲: ۱۰۲) و همچنین با افزایش تراکم جمعیت، ارتباطی مستقیم دارد. براساس عقیده غالب، جرم پیش از آنکه پدیده‌ای جبرگرایانه و ناشی از عوامل قطعی و تغییرناپذیر محیط طبیعی باشد، پدیده‌ای اجتماعی و متأثر از شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه و مکان جرم است (کلانتری، ۱۳۸۰: ۵۱)؛ بنابراین، از آنجاکه در شهرها تنوع قومی، فرهنگی و اقتصادی زیاد است و نمی‌توان تمام مشکل‌های امنیتی را به خود شهر و کالبد فیزیکی شهر نسبت داد، با افزایش جمعیت در شهرها، انسجام و توافق اجتماعی کم‌رنگ‌تر می‌شود، تسلط تشکیلات و سازمان‌های دولتی و نیروی انتظامی کاهش می‌یابد، کنترل اجتماعی تضعیف می‌شود و بی‌نظمی اجتماعی، قانون‌شکنی و بی‌احترامی به موازین و ضوابط جامعه افزایش می‌یابد. یکی از مهم‌ترین پیامدهای چنین بی‌نظمی‌های اجتماعی، شکل‌گیری کانون‌های جرم‌خیز است که تحلیل آن‌ها بسیار اهمیت دارد. یکی از جنبه‌های اهمیت تحلیل کانون‌های جرم‌خیز این است که این شیوه، به درک و فهم مجموعه عوامل و شرایط مکانی، زمانی، اجتماعی - که منتهی به شکل‌گیری محدوده‌های فوق شده است - کمک می‌کند و با استفاده از نتایج این مطالعه می‌توان از شکل‌گیری محدوده‌های آلوده در آینده پیشگیری کرد یا مناطقی را که در آینده احتمال آلودگی آن‌ها زیاد است، شناسایی و کنترل کرد. هدف از این پژوهش، تحلیل فضایی کانون‌های جرم‌خیز در محله‌های شهر یزد، با تأکید بر برنامه‌ریزی فرهنگی است. در این راستا، مؤلفه‌های جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی محله‌های شهر یزد، چگونگی توزیع فضایی مهم‌ترین کانون‌های ارتکاب جرم و میزان نقش عوامل و عناصر فرهنگی در ارتکاب انواع جرم مطالعه می‌شود و میزان تأثیر شرایط اجتماعی - اقتصادی زندگی، سکونت و اشتغال مجرمان در رفتار و فعالیت مجرمانه آن‌ها ارزیابی می‌شود تا بتوان راهبردهایی برای کنترل و پیشگیری بزهکاری در محله‌های شهر یزد با تأکید بر برنامه‌ریزی‌های فرهنگی تدوین کرد.

مبانی نظری

مطالعه رابطه مکان و بزهکاری، در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی و با بهره‌گیری از نظریه اکولوژی اجتماعی آغاز شد. جکوبز از پیشگامان مطالعه نقش محیط در بزهکاری بود. وی در اثر معروف خود با نام زندگی و مرگ شهرها که در سال ۱۹۶۱ انتشار یافت، به مطالعه نوع طراحی شهرها و تأثیر آن در کاهش بزهکاری و همچنین تأثیر مراقبت‌های طبیعی و معمولی مردم بر پیشگیری از جرم پرداخت (کلانتری، ۱۳۸۰: ۵۶). در سال ۱۹۶۹، جفری اولین کسی بود که نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی را مطرح کرد. به عقیده او، جامعه‌شناسان به‌میزان شایان توجهی در عوامل اجتماعی مؤثر بر جرم، از قبیل محرومیت، تأثیرهای فرهنگی، خانواده و... اغراق کرده‌اند و به عوامل بیولوژیکی و محیطی توجهی نکرده‌اند. او بر فرصت‌هایی که محیط در اختیار مجرمان قرار می‌دهد، تأکید داشت و جرایم گوناگون را ناشی از این فرصت‌های محیطی می‌دانست (کلارک، ۱۹۹۷: ۳۰)؛ بنابراین می‌توان گفت تمامی رفتارهای بشری در مقطع مکانی و زمانی خاصی رخ می‌دهد. در بعضی از مکان‌های شهر، به‌علت ساختار کالبدی ویژه و مشخصه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ساکنان و استفاده کنندگان از این مکان‌ها، امکان و فرصت بزهکاری بیشتر است. در مقابل، در بعضی از محدوده‌های شهری، به‌دلیل وجود موانع و شرایط بازدارنده، میزان بزهکاری اندک است (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۹: ۵۶۹). «آسیب‌شناسی شهری در مورد پیدایش، کیفیت پراکندگی جرایم، امراض و ناآرامی‌های شهری، بحث و گفت‌وگو دارد. تنها در سال‌های اخیر است که عنوان پاتولوژی شهری به‌سرعت مورد توجه جامعه شهری دنیا قرار گرفته است. افزایش بحران در شهرهای غربی و جهان سوم، اکولوژیست‌ها را در تحقیق روی چند موضوع مصمم‌تر ساخته است که عبارتند از: فقر، جرم و جنایت، اعتیاد به مواد مخدر و ناآرامی‌های اجتماعی. در مطالعه آسیب‌شناسی اجتماعی، اغلب به این نتیجه رسیده‌اند که عامل فقر، بیش از سایر عوامل در پیدایش و تشدید مسائل اجتماعی در شهرها مؤثر می‌افتد. از این‌رو، در شناخت مناطق فقرالود شهری، معیارهایی نظیر میزان درآمد خانواده، میزان مردان غیر ماهر در نیروی کار، میزان تحصیلات، میزان واحدهای مسکونی مخروبه و غیر بهداشتی، به‌کار گرفته می‌شود» (خاکپور و دیگران، ۱۳۸۸: ۵). یکی از مباحث مطرح در جغرافیای اجتماعی، بررسی توزیع جغرافیایی مجرمان و عوامل شکل‌دهنده جرم در مناطق و نواحی مختلف است. در غالب شهرهای جهان، جرم معمولاً تهدیدی جدی برای حیات، تمامیت فردی و دارایی‌های انسان‌هاست. وقوع بیش از حد این جرایم در محیط‌های شهری، نه‌تنها با اصول مسلم اجتماعی تعارض دارد، بلکه پیامدهای منفی زیادی مانند پایین‌آمدن کیفیت زندگی، به‌دردرفتن منابع اقتصادی، سرخوردگی شهروندان و از بین‌رفتن سرمایه‌های انسانی را به‌دنبال دارد (طاهرخانی، ۱۳۸۱: ۷). علاوه‌براین، طی دو دهه اخیر، در نگرش و سیاست‌های پیشگیرانه جرم‌شناسان، برای مقابله با بزهکاری شهری تغییر عمده و مهمی به‌وقوع پیوسته است. مطابق این نگرش، برای پیشگیری از جرم، علاوه بر بزهکار باید بر مکان وقوع بزه نیز تأکید شود تا با حذف فرصت‌های مجرمانه در محیط جغرافیایی، امکان به‌حداقل‌رساندن میزان بزهکاری فراهم شود (وایسبورد، ۲۰۰۴: ۶۲). در این زمینه، برانتینگهام^۱ معتقد است که جرم‌شناسی سنتی، در پی شناخت مجرم و انگیزه‌های او در بزهکاری است؛ حال آنکه می‌توان بزه را بدون درنظرگرفتن انگیزه‌های فردی یا شخصی بزهکار مطالعه کرد و به جای مجرم و انگیزه‌های او، بزه و شرایط مکانی ارتکاب آن را درنظر گرفت (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۸: ۸۰). در این زمینه، نظریه فرصت، با افزایش نقش مؤثر شرایط زمینه‌ساز وقوع جرم و کاهش نقش بازدارنده عوامل مانع وقوع جرم، احتمال وقوع جرم را هم افزایش داده است. در مقابل، کاهش فرصت‌های ارتکاب، احتمال وقوع جرم را تقلیل می‌دهد. در این زمینه، کوهن، کلوجل و لندوین^۲ اصول

1. Brantingham

2. Cohen, Klugel and Landvin

نظریهٔ فعالیت روزمره را ارائه داده‌اند و سپس فلسون و کلارک^۱ آن را تکمیل کرده‌اند (سلیمی و دیگران، ۱۳۸۰: ۳۳۷-۳۳۸). این نظریه ابتدا در بزه‌دیده‌شناسی مطرح شده است و سپس در جرم‌شناسی هم به کار گرفته شده است (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۳: ۱۴۶۰). فلسون و کلارک، دلیل توزیع مکان‌های تمرکز بزهکاری در محدوده‌های خاص جغرافیایی را همگرایی و ترکیب سه عامل زیر دانسته‌اند که موجب شکل‌گیری کانون‌های جرم‌خیز می‌شود:

(الف) وجود اهداف مجرمانه؛

(ب) وجود بزهکارانی که انگیزه و مهارت کافی برای انجام عمل مجرمانه را دارند؛

(ج) نبود مراقبت و کنترل مناسب برای مقابله با اقدام‌های مجرمانه از سوی مردم و مسئولان (فلسون و کلارک، ۲۰۰۸: ۱۳).

در سال ۱۹۷۲، اسکار نیومن^۲ نظریهٔ فضای قابل دفاع را به‌عنوان ابزاری برای کاهش جرم در نواحی شهری مطرح ساخت. او معتقد بود فضاهایی که امکان دیدن و دیده‌شدن در آن‌ها بیشتر باشد و در ضمن در آن‌ها امکان کمی برای فرار وجود داشته باشد، پتانسیل کمتری برای فعالیت مجرمان فراهم می‌کنند. به عقیدهٔ نیومن، طرح‌های شهری به‌طور گسترده، رابطهٔ مثبتی با کاهش فرصت‌های جرم در مناطق مختلف شهرها دارند. نیومن در نظریهٔ خود به چهار اصل قلمروگرایی، نظارت طبیعی، تصویر و کاربری اراضی اشاره می‌کند (قرایی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۹). ویلسون و کیلینگ^۳ صاحبان نظریهٔ پنجره‌های شکسته معتقدند وجود نشانه‌هایی از بی‌توجهی و خرابی در محله بیانگر آن است که ساکنان آن محله، احساس آسیب‌پذیری بیشتری دارند و از مشارکت در محافظت از اجتماع خود کنار کشیده‌اند؛ بنابراین، نظارت و کنترل اجتماعی در آن‌ها بسیار پایین است. این شاخص‌ها زمینهٔ ایجاد جرم را فراهم می‌کنند و نشانهٔ آن‌اند که ساکنان، علاقه‌ای به مواجهه با جرم ندارند تا خطر ارتکاب جرم را در محل کاهش دهند (علیخواه و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۱۶). اصطلاح «کانون‌های جرم‌خیز» را اولین بار شرمین، کارتین و برگر^۴ در سال ۱۹۶۹ و برای تحلیل مکانی بزهکاری به کار گرفتند. این واژه بیانگر یک مکان یا محدودهٔ جغرافیایی است که میزان بزهکاری در آن بسیار بالاست. حدود این مکان ممکن است بخشی از یک شهر، یک محله، چند خیابان مجاور و حتی ممکن است یک خانه یا مجتمع مسکونی باشد. بعضی نیز در تعریف کانون‌های جرم‌خیز، آن را معادل مکان‌های کوچک با تعداد جرم زیاد قابل پیش‌بینی، حداقل در یک دورهٔ زمانی یک‌ساله دانسته‌اند (تیلور، ۱۹۹۸: ۳). کلارک نیز کانون‌های جرم‌خیز را محدوده‌هایی می‌داند که نسبت به محدوده‌های دیگر، مردم برای درخواست کمک، بیشتر با پلیس تماس می‌گیرند. از نظر او کانون‌های جرم‌خیز میزان جرایم محلی را افزایش می‌دهند (کلارک، ۱۹۹۷: ۱۵). الگوهای فضایی توزیع بزهکاری، متأثر از نوع کاربری اراضی و ویژگی‌های کالبدی یا جمعیتی و ویژگی‌های فرهنگی‌اند و این عوامل بر شکل‌گیری کانون‌های جرم‌خیز تأثیر می‌گذارند؛ بنابراین، یکی دیگر از جنبه‌های اهمیت این تحلیل آن است که به کمک آن می‌توان برای تغییر این شرایط و ویژگی‌ها، فضاها را احیا و طراحی مجدد کرد و نیز بعضی موانع و شرایط بازدارنده را برای بزهکاری فراهم ساخت. بدین‌وسیله ضمن افزایش سطح امنیت اجتماعی، در استفاده از امکانات و منابع صرفه‌جویی می‌شود و جامعه نیز راه سلامت را در پیش می‌گیرد (کلاتری و دیگران، ۱۳۸۶: ۸). نظریه‌های جرم در کارآمد ساختن نقشهٔ بزهکاری بسیار اهمیت دارند؛ زیرا به تفسیر داده‌ها کمک می‌کنند.

1. Fison & Clark

2. Oscar Newman

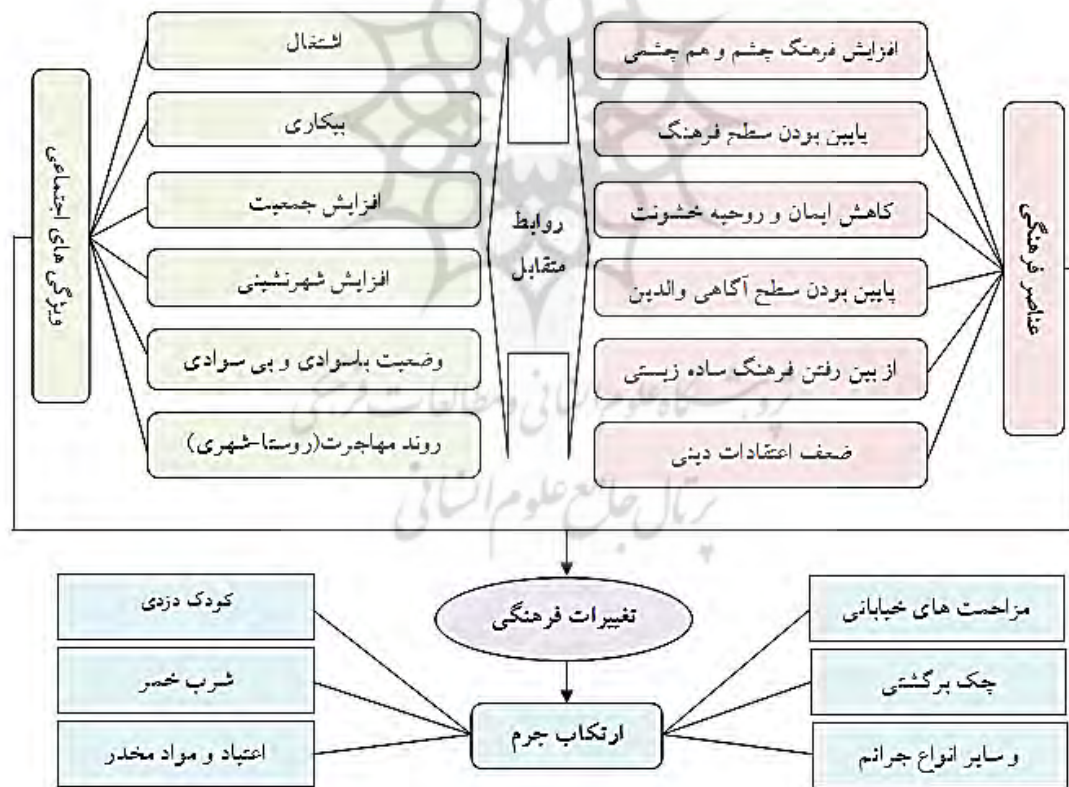
3. Wilson & Killing

4. Sherman; Gartin and Buerger

روش پژوهش

با توجه به مؤلفه‌های مورد بررسی، روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری، ۴۲ محله شهر یزد است. اطلاعات مورد نیاز از سالنامه‌های آماری، شهرداری، فرماندهی نیروی انتظامی و اطلاعات میدانی (پرسشنامه) جمع‌آوری شده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، از آزمون‌های آماری مرکز متوسط (معیاری تقریبی برای مقایسه توزیع فضایی انواع جرم)، فاصله انحراف معیار (امکان مقایسه انواع جرم یا مقایسه یک نوع جرم در دوره‌های زمانی)، بیضی انحراف معیار (نشان‌دادن سطوح پراکندگی) و روش‌های آمار گرافیک مینا، شامل روش تخمین تراکم کرنل (سلامی و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۸) برای نشان‌دادن کانون‌های جرم‌خیز استفاده شده است. همچنین آزمون‌های آماری استنباطی، شامل ضریب رگرسیون ساده برای تجزیه و تحلیل و بررسی رابطه عناصر فرهنگی و انواع جرم به کار گرفته شده است. شاخص‌های پژوهش، شامل شاخص‌های اجتماعی-فرهنگی (جمعیت، آموزش، وضعیت اشتغال و بیکاری، مهاجرت به داخل استان، شهرنشینی و تعداد اماکن مذهبی) و انواع جرم (کودک‌ربایی، مزاحمت‌های خیابانی، قتل، سرقت، خودکشی و مواد مخدر) در محله‌های شهر یزد است.

در این پژوهش، ویژگی‌های اجتماعی با عناصر فرهنگی در یک رابطه متقابل، مطالعه شده است. این روابط متقابل، به ایجاد تغییرهای فرهنگی در طول زمان و ناهنجاری‌های اجتماعی در جامعه منجر می‌شود که سبب ارتکاب جرم می‌شوند؛ بنابراین، با تجزیه و تحلیل این متغیرها می‌توان برای کاهش ارتکاب جرم برنامه‌ریزی‌های فرهنگی کرد.



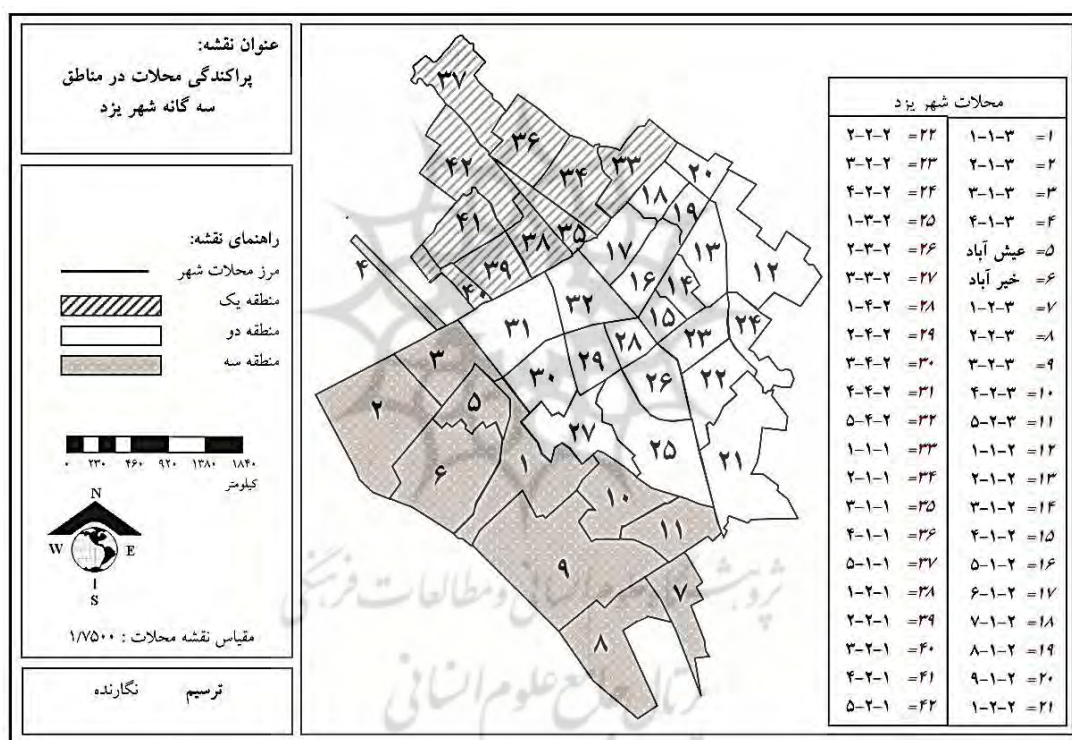
نمودار ۱. مدل تحلیل پژوهش

منبع: نگارنده

محدوده مورد مطالعه

استان یزد با مساحتی حدود ۷۴،۲۱۴ کیلومتر مربع در کنار کویر نمک در مرکز ایران در ۲۹ درجه و ۵۲ دقیقه تا ۳۳ درجه و ۲۷ دقیقه عرض شمالی و ۵۲ درجه و ۵۵ دقیقه تا ۵۶ درجه و ۲۷ دقیقه طول شرقی نسبت به مدار گرینویچ قرار دارد

(مهندسان مشاور عرصه، ۱۳۸۵: ۲۷). براساس آخرین تقسیمات کشوری در سال ۱۳۹۰، استان یزد به ۱۱ شهرستان و ۲۳ شهر، ۲۰ بخش و ۵۱ دهستان تقسیم شده است که از نظر جمعیتی، شهر یزد با ۵۷/۶ درصد پرجمعیت‌ترین و شهر خضرآباد با ۰/۲۲ درصد کم‌جمعیت‌ترین شهرهای استان‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰: ۲۹). از نظر تقسیمات شهرداری، شهر یزد به سه منطقه شهری و ۴۳ محله تقسیم شده است (نقشه ۱). ماهیت و آهنگ تحول جمعیت در سال‌های اخیر در شهر یزد موجب رشد روزافزون جمعیت شده است؛ به طوری که حدود ۴۰ درصد از این جمعیت، در شهر یزد سکونت دارند. بیشترین جمعیت، متعلق به محله‌های ۳-۱-۳، ۳-۱-۳ و ۲-۱-۳ و ۲-۴-۴ به ترتیب با ۲۷۶۰۷ نفر، ۲۵۳۶۸ نفر و ۲۱۰۰۷۲ نفر و کمترین جمعیت متعلق به محله‌های ۵-۱-۱، ۵-۱-۲ و ۳-۳-۲ به ترتیب با ۱۰۳۱۱ نفر، ۱۰۹۵۵ نفر و ۲۳۵۴ نفر است. این توزیع ناهماهنگ جمعیت در سطح محله‌ها، موجب کاهش و از بین رفتن تعادل و افزایش نابرابری‌های شهری شده است؛ به گونه‌ای که با رشد جمعیت و تمرکز آن در محله‌ها، انواع جرم در سطح محله‌های شهر نیز افزایش یافته است.



نقشه ۱. موقعیت مناطق و محله‌های شهر یزد

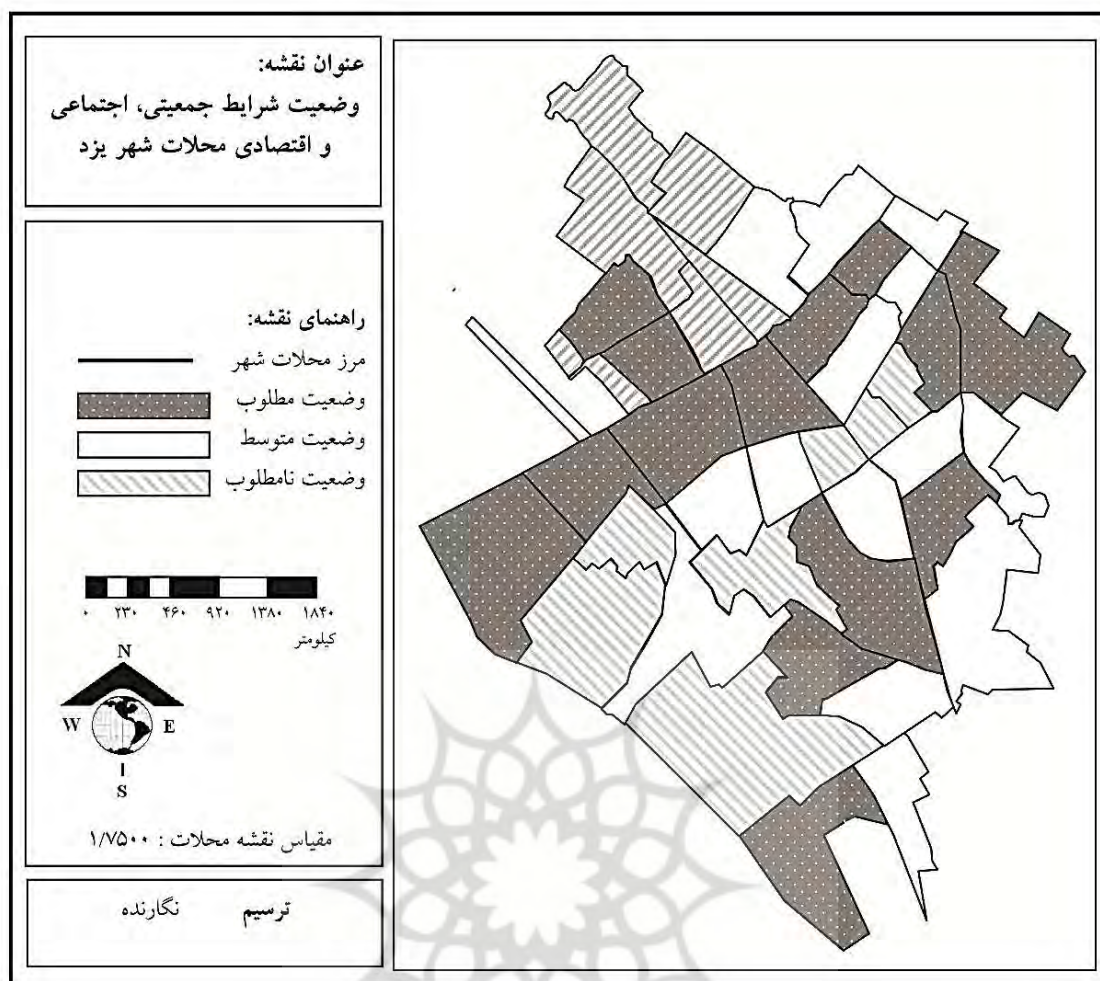
منبع: مهندسان مشاور عرصه، ۱۳۸۵: ۱۲۴

بحث و یافته‌ها

بررسی ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی محله‌های شهر یزد

بررسی‌های جمعیتی شهر یزد در سال ۱۳۷۵ نشان می‌دهد جمعیت این شهر ۳۲۶۰۷۶ نفر و رشد سالانه آن ۳/۴ درصد بوده است که در سال ۱۳۸۵، به ۴۳۲۰۱۹۴ نفر و رشد سالانه آن ۲/۸ درصد افزایش یافته است. در سرشماری عمومی سال ۱۳۸۵، شهر شامل سه منطقه شهری است. بررسی بعضی از ویژگی‌های عمده اجتماعی بین محله‌های شهری یزد، تفاوت‌ها در این زمینه را نمایان می‌سازد. بیشترین جمعیت را محله‌های ۲-۱-۳ (محله ۱۴)، ۲-۱-۲ (محله ۱۳) و ۲-۴-۴ (محله ۳۱) با جمعیتی به ترتیب، ۲۱۶۰۲ نفر، ۲۵۳۶۸ نفر و ۲۱۰۰۷۲ نفر دارند. کمترین جمعیت نیز متعلق به محله‌های

۱-۱-۵، ۲-۱-۹ و ۳-۲-۳ به ترتیب برابر با ۱،۳۱۱ نفر، ۱،۹۵۵ نفر و ۲۳۵۴ نفر است. بیشترین افزایش جمعیت نسبت به سال ۱۳۷۵ را محله‌های ۳-۲-۲، ۳-۲-۳، ۲-۱-۹ و ۳-۱-۴ داشته‌اند و جمعیت آن‌ها به ترتیب ۳۰، ۶ و ۵ برابر شده است؛ بنابراین، تراکم جمعیتی در بین محله‌ها نیز متفاوت بوده و از ۵ نفر در هر هکتار تا ۱۱۵ نفر در هکتار متغیر است. مقایسه تراکم جمعیتی در محله‌های شهر یزد، بیانگر آن است که بیشترین تراکم جمعیتی در محله ۳-۱-۳ معادل ۱۱۵ و کمترین آن در محله ۳-۲-۳ معادل ۵ نفر در هکتار است. می‌توان نتیجه گرفت که تراکم جمعیتی در محله‌های مرکزی شهر، بالاتر از تراکم جمعیتی در محله‌های حاشیه‌ای است. این امر ناشی از روند توسعه شهر از مرکز به سمت پیرامون و نیز توزیع مناسب‌تر خدمات و امکانات در مرکز شهر یزد است که جمعیت بیشتری را به خود جذب کرده است. همچنین متوسط بعد خانوار در شهر یزد ۳/۷۶ نفر است، اما این نسبت در محله‌های مختلف با توجه به ویژگی‌های اجتماعی ساکنان هر محله، متفاوت است. این میزان در محدوده محله امام‌شهر حدوداً بین ۴/۱ و ۴/۲ نفر است. در محدوده کشتارگاه این نسبت تا ۴/۵ نفر نیز افزایش می‌یابد که نشان‌دهنده بالابودن سهم افراد خانوار و به‌ویژه تعداد فرزندان نزد خانوارهای کارگری و اقشار کم‌درآمد این مناطق است. در بافت‌های قدیمی‌تر شهر مانند گازرگاه-امیرچخماق و فهادان که بافت قدیمی شهر یزد را تشکیل می‌دهد، به علت سالخوردگی جمعیت بعد خانوارها، کمتر از میانگین کل شهر و بین ۲/۹ تا ۳/۵ نفر در هر خانوار است. در محدوده محله‌های صفائیه و کوی کارمندان نیز- که طبقات مرفه و متوسط شهری در آن‌ها ساکن‌اند- میانگین تعداد افراد خانوار کمتر از سایر مناطق است. در کوی کارمندان، این نسبت ۲/۸ تا ۳ نفر و در صفائیه حدود ۳/۳ نفر است. در حالی که در محدوده راه‌آهن، این میزان تا ۴/۲ نفر در هر خانوار افزایش می‌یابد. همچنین بیشترین نسبت جنسی در محله ۳-۳-۲ معادل ۱۸۷ و کمترین آن در محله‌های ۳-۱-۲ و ۱-۲-۱ معادل ۹۹ است که عامل پایین بودن آن در حد طبیعی، وجود خانواده‌های دسته‌جمعی در محله‌هاست. یکی از ویژگی‌های بارز محله‌ها، میزان جمعیت فعال است که از این نظر در منطقه ۱، محله ۲-۲-۱ با ۷۸/۷۳ و منطقه ۲، محله ۳-۳-۲ با ۸۶/۴۹ و منطقه ۳، محله ۳-۲-۳ با ۷۸/۱۸ درصد، بیشترین میزان را دارند. یکی دیگر از شاخص‌های مورد بررسی در شناخت ویژگی‌های اجتماعی، میزان باسوادی ساکنان محله‌های مختلف شهر یزد است. متوسط میزان باسوادی در کل شهر یزد در سال ۱۳۷۵، معادل ۸۷/۲ درصد بوده است، اما در مناطق مختلف شهر، این موضوع متأثر از ساختار سنی و گروه اجتماعی اقشار ساکن در هر محله، متغیر است. بالاترین میزان باسوادی، در بافت قدیمی شهر، یعنی محله فهادان و گازرگاه است که ۹۶/۹ درصد از جمعیت شش ساله و بیشتر را شامل می‌شوند. کمترین میزان باسوادی، در محله کشتارگاه و برابر ۱۸/۸ درصد است. توسعه و گسترش محله‌های شهری یزد به‌ویژه در حاشیه شهر سبب جذب مهاجران جدید به این شهر بوده است و درحقیقت، گسترش شهر در حواشی و اسکان مهاجران، رابطه‌ای مستقیم و تعاملی با یکدیگر داشته است (مهندسان مشاور عرصه، ۱۳۸۵: ۸۵-۱۱۰). نقشه ۲ میزان برخورداری محله‌های شهر یزد، از نظر ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی را نشان می‌دهد. بررسی ساختار اشتغال نشان می‌دهد بیشترین سهم شاغلان در بخش خدمات، به امور فروش و بازرگانی اختصاص دارد که شهر یزد، به دلیل مرکزیت استان و خدمات جنبی صنایع، عهده‌دار نقش عمده‌ای در این زمینه است؛ به طوری که از مجموع سهم خدمات- که برابر ۵۲/۶۰ درصد است- ۱۴/۷۴ درصد که نزدیک به یک‌سوم آن است، به امور فروش و بازرگانی اختصاص دارد. نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که در شهر یزد، در بین مردان ۱۰ ساله و بیشتر، میزان فعالیت ۶۳/۸ درصد و در بین زنان ۱۳/۲ درصد است. ویژگی جمعیت فعال شهر یزد، جوانی نیروی کار است. در سنین میانسالی و سالخوردگی، میزان فعالیت با افت فراوان همراه است که نشان‌دهنده نبود چترهای حمایتی و پوشش‌های بیمه‌ای مناسب برای نیروی کار در این شهر است.

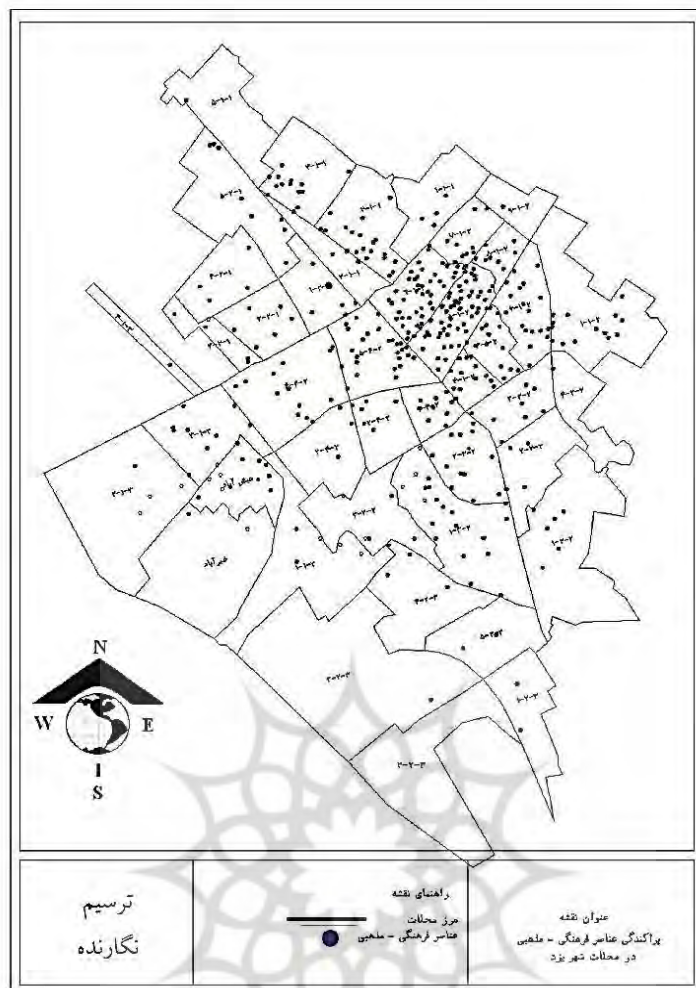


نقشه ۲. وضعیت جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی محله‌های شهر یزد

منبع: نگارنده

بررسی ویژگی‌های فرهنگی محله‌های شهر یزد

بررسی وضعیت مراکز فرهنگی - مذهبی محله‌های شهر یزد نشان می‌دهد این مراکز در قالب سینما، موزه، کتابخانه، سالن اجتماعات، باغ‌های تاریخی - فرهنگی و همچنین مساجد، تکایا، حسینیه‌ها، امامزاده و اماکن مذهبی اقلیت‌های مذهبی، در سطح محله‌های شهر یزد براساس نقشه ۳ توزیع شده‌اند. کاربری‌های فرهنگی، ۲۰ هکتار و کاربری‌های مذهبی، ۵۱ هکتار از شهر یزد را دربرگرفته‌اند.



نقشه ۳. پراکندگی عناصر فرهنگی - مذهبی در سطح محله‌های شهر یزد

منبع: نگارنده

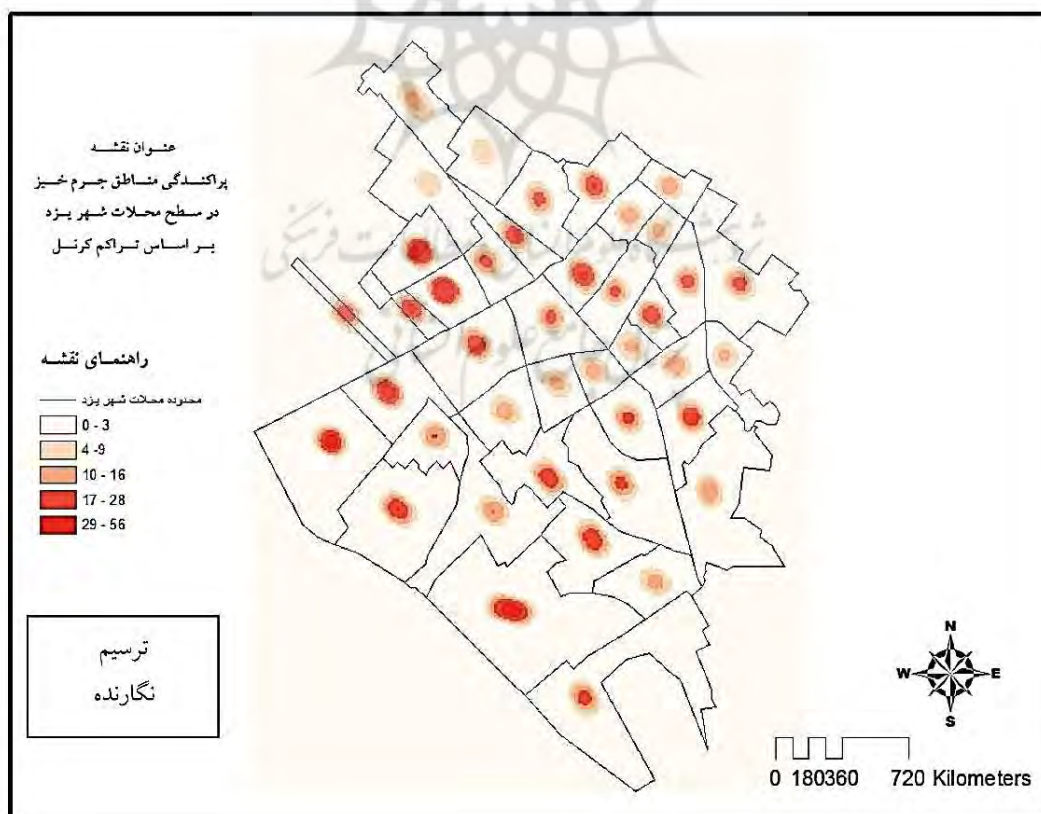
پژوهش‌های میدانی، نقش عوامل فرهنگی در ارتکاب جرم را نشان می‌دهد. در حال حاضر، میزان ارتکاب جرم افزایش یافته است. می‌توان گفت مردم در گذشته به اعتقادات فرهنگی (مراعات حقوق دیگران، رعایت انصاف، حرمت و...) پایبندتر بودند و امروزه با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی (بیکاری، ثروت‌اندوزی، چشم و هم‌چشمی و...) کمرنگ‌تر شده و به شکل‌گیری بحران‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی در قالب سرقت، خشونت و... منجر شده است. از آنجاکه اکثر مردم در مراکز شهر، به‌ویژه در محله‌های بافت‌های فرسوده و قدیمی و حاشیه‌ای شهر سکونت دارند، روابط خویشاوندی کاهش یافته و این امر به افزایش توقع‌ها و مشکل‌هایی منجر شده است. در نتیجه، با کمرنگ‌تر شدن آداب و رسوم، معاشرت‌ها و اعتقادات فرهنگی، ارتکاب جرم در بین مردم افزایش پیدا کرده است. همچنین افزایش سطح انتظارات سبب افزایش فرهنگ چشم و هم‌چشمی در زمینه‌های خرید ماشین، دستیابی به کیفیت بالای زندگی در شهر، اشتغال مطلوب و... شده که به احساس تنفر و بدبینی نسبت به دیگران منجر شده است و افراد بسیاری، از راه خلاف و غیر مرسوم، این انتظارات را برآورده می‌کنند. از سوی دیگر، پایین‌بودن سطح آگاهی والدین و ضعف و ناتوانی افراد در زندگی شهری، سبب افزایش فشارها شده است و بسیاری از افراد برای جبران توهین و تحقیرهای دیگران، مرتکب جرم می‌شوند. در خانواده‌های فقیر، سطح فرهنگ بسیار پایین است؛ به طوری که به محض ورود به شهر، اختلاف طبقاتی توجه‌ها را به خود جلب می‌کند و این آگاهی از اختلاف

سطح طبقات، سبب احساس حقارت و در نتیجه، ارتکاب جرم می‌شود. کاهش حضور مردم در اماکن مذهبی و ضعف اعتقادات دینی در مقایسه با گذشته، به شکل‌گیری اختلاف سطح فرهنگی بین دو نسل (پدران و فرزندان) منجر شده است. از آنجاکه این دو نسل (والدین و فرزندان)، در دو فرهنگ متفاوت (نسل والدین با فرهنگ بسته و بسیار سنتی و فرزندان در محیطی باز و مدرن) بزرگ شده‌اند، در بیشتر زمینه‌های زندگی با یکدیگر اختلاف نظر دارند. همچنین هنگامی که در خانواده کمتر به افراد توجه می‌شود، بیشتر به سمت اعتیاد یا خودکشی گرایش می‌یابند.

تحلیل آماری محله‌های جرم‌خیز شهر یزد

۱. تخمین تراکم کرنل

آزمون تخمین تراکم کرنل، یکی از مناسب‌ترین روش‌ها برای به‌تصویر کشیدن داده‌های انواع جرم به‌صورت سطح پیوسته است. روش تخمین تراکم کرنل، سطح همواری از تغییر در تراکم نقاط جرم در محله‌های شهر یزد ایجاد می‌کند. نقشه ۴، توزیع انواع جرم در سطح محله‌های شهر یزد را نشان می‌دهد. بررسی پراکندگی انواع جرم در محله‌های شهر یزد نشان می‌دهد که توزیع این جرایم، به‌صورت خوشه‌ای و تصادفی است؛ بدین‌صورت که بخش‌هایی از شهر، میزان بسیار بالای جرم و بخش‌هایی نیز میزان اندک جرم را داشته‌اند. در این زمینه، محله‌های امام‌شهر، آزادشهر، کوی فرودگاه، صفائیه و آتشکده، به‌دلیل موقعیت مکانی، یعنی قرارگیری در اطراف محله‌های مرکزی شهر، بیشترین میزان جرم در زمینه اعتیاد و مواد مخدر و شرب خمر را دارند. همچنین محله‌های امیرآباد و قاسم‌آباد نیز در زمینه اعتیاد نسبت به محله‌های دیگر وضعیت مطلوبی ندارند. در سایر محله‌ها نیز جرایم به شکل‌های خاص صورت گرفته است، اما میزان آن‌ها به‌مراتب کمتر است؛ بنابراین، نتایج نشان می‌دهد محله‌هایی که عناصر فرهنگی- مذهبی داشته باشند، ارتکاب جرم در آن‌ها به‌مراتب پایین‌تر است.

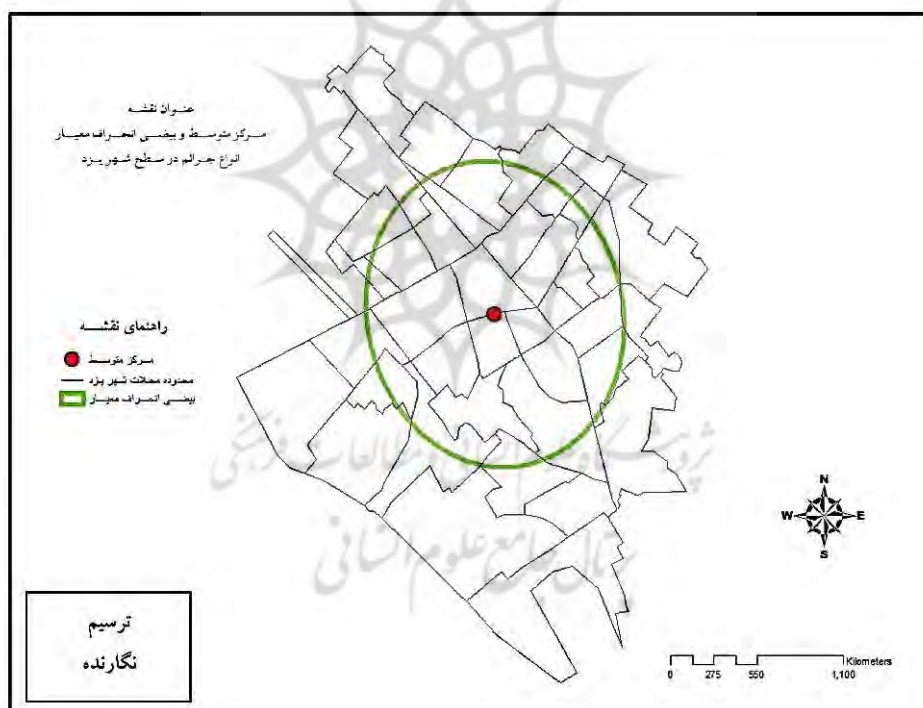


نقشه ۴. تخمین تراکم کرنل انواع جرم در سطح محله‌های شهر یزد

منبع: نگارنده

۲. مرکز متوسط و بیضی انحراف معیار

نقطه مرکز متوسط، معیاری تقریبی برای مقایسه توزیع فضایی انواع گوناگون جرم یا برای بررسی وقوع یک نوع جرم خاص در دوره‌های زمانی مختلف است. اندازه‌گیری جابه‌جایی فضایی یک نوع جرم خاص، از این جمله است. مرکز متوسط جرایم، نسبت به توزیع و پراکندگی نقاط جرم در سطح محله‌های شهر محاسبه شده است. مرکز متوسط انواع جرم (اعتیاد، کودکان‌ربایی، شرب خمر، مزاحمت‌های خیابانی، چک برگشتی و...) تقریباً از بخش مرکزی شهر (مرکز محله‌های خرمشاد و سر دوراهی) شروع می‌شود و سپس به سمت محله‌های امام‌شهر و آزادشهر در شمال و شمال غرب و محله‌های اکبرآباد و کوی نواب و کوی راه‌آهن در سمت جنوب و جنوب غرب ادامه می‌یابد. همچنین در امتداد میدان ابودر تا میدان مجاهدین، یعنی خیابان کاشانی، نقاط جرم‌خیز پراکندگی بیشتری دارد. برای تحلیل سطوح پراکندگی مکان‌های وقوع جرم، از بیضی انحراف معیار استفاده شده است. در این آزمون، اندازه و شکل بیضی، میزان پراکندگی را معین می‌کند و امتداد آن، جهت حرکت اعمال مجرمانه را نشان می‌دهد. جهت بیضی انحراف معیار برای ارتکاب جرم، شمالی-جنوبی (محله‌های امام‌شهر و خرمشاد) و تمایل به شمال غربی (محله‌های آزادشهر) و جنوب غرب (کوی راه‌آهن) است.



نقشه ۵. مرکز متوسط و بیضی انحراف معیار انواع جرم در محله‌های شهر یزد

منبع: نگارنده

۳. شاخص نزدیک‌ترین همسایه (NNI)

شاخص نزدیک‌ترین همسایه، روشی ساده و سریع برای آزمودن گردآمدگی و تجمع جرم در یک محدوده جغرافیایی است. براساس جدول ۱، تحلیل آماری نزدیک‌ترین همسایه در زمینه انواع جرم با میزان $0/026$ در سطح اطمینان ۹۹ درصد (با توجه به مقدار بالای نمره Z یعنی $-41/31$)، توزیع کاملاً خوشه‌ای (چون میزان شاخص نزدیک‌ترین همسایه،

کوچک‌تر از یک است) دارد؛ بدین معنا که انواع جرم در بیشتر محله‌های شهر یزد و در کانون‌های خاصی انجام می‌گیرد. جرایمی چون اعتیاد، شرب خمر و کودکان‌ربایی به صورت خوشه‌ای و جرایمی چون مزاحمت‌های خیابانی و چک برگشتی، به صورت تصادفی در سطح محله‌های شهر یزد توزیع شده‌اند.

جدول ۱. نتایج تحلیل شاخص نزدیک‌ترین همسایه انواع جرم در سطح محله‌های شهر یزد

ردیف	جرم	نمره Z	شاخص نزدیک‌ترین همسایه	توزیع فضایی جرم در محله‌ها
۱	اعتیاد	-۶۵/۳۳	۰/۱۲۲	خوشه‌ای
۲	مزاحمت‌های خیابانی	-۲۸/۶۴	۱	تصادفی
۳	شرب خمر	-۳۵/۵۷	۰/۰۵۱	خوشه‌ای
۴	کودک‌ربایی	-۲۱/۳۵	۰/۰۵۳	خوشه‌ای
۵	چک برگشتی	-۵۵/۴۴	۱	تصادفی
۶	کل	-۴۱/۳۱	۰/۰۲۶	خوشه‌ای

منبع: نگارنده

برای دستیابی به ارتباط میان عوامل مختلف فرهنگی و جرم، از طریق آزمون‌های آماری، به نتایج فرضیه پژوهش پرداخته شده است که به شرح زیرند:

۱. میان عوامل و عناصر فرهنگی و ارتکاب انواع جرم در سطح محله‌های شهر یزد، رابطه‌ای معنادار وجود دارد. برای آزمون این فرضیه، از رگرسیون خطی ساده استفاده شده است. در جدول ۲، ضریب همبستگی چندگانه - که با علامت R نشان داده شده است - برابر با ۰/۶۳۵ است. این ضریب، رابطه بین عناصر فرهنگی - مذهبی و ارتکاب جرم در محله‌های شهر یزد را تأیید می‌کند؛ یعنی به‌ازای افزایش عناصر فرهنگی و مذهبی، ارتکاب جرم نیز کاهش می‌یابد. مقایسه عناصر فرهنگی - مذهبی موجود و توزیع انواع جرم در سطح محله‌ها نشان می‌دهد محله‌هایی که عناصر فرهنگی - مذهبی بیشتری دارند، به مراتب میزان جرم در آن‌ها کمتر است. در جدول ۲ ضریب تبیین، ۰/۲۱۷ بوده است. مقدار تبیین نشان می‌دهد که ۲۱/۷ درصد از تغییرهای کاهش جرم، ناشی از عناصر و عوامل فرهنگی محله‌هاست. در جدول ۳ مقدار F محاسبه شده است که در سطح ۹۹ درصد (Sig: ۰/۰۰۳) معناداری رابطه دو متغیر را تأیید می‌کند.

جدول ۲. آماره‌های تعیین رگرسیون بین عناصر فرهنگی و ارتکاب جرم در محله‌های شهر یزد

مدل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تبیین	ضریب تبیین تعدیل شده	خطای معیار
۱	۰/۶۳۵	۰/۲۱۷	۰/۱۹۸	۰/۱۳۸

منبع: نگارنده

جدول ۳. تحلیل واریانس و رگرسیون خطی بین عناصر فرهنگی و ارتکاب جرم در سطح محله‌های شهر یزد

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معناداری
اثر رگرسیون	۰/۱۱۸	۳	۰/۱۱۸		
باقی‌مانده	۰/۱۰۹	۸	۰/۰۳۸	۳/۴۵۸	۰/۰۰۳
کل	۰/۲۲۷	۱۱	-		

منبع: نگارنده

بنابراین، این فرضیه که بین عوامل و عناصر فرهنگی و ارتکاب جرم در محله‌های شهر یزد رابطه‌ای معنادار وجود دارد، تأیید می‌شود.

نتیجه‌گیری

در جوامع مختلف، معیار شناخت جرم و بزهکاری به طرز تفکر، فرهنگ و پیشرفت و عقب‌ماندگی آن جامعه بستگی دارد. در نتیجه ممکن است رفتاری در یک جامعه عادی و در جامعه دیگر جرم محسوب شود. به عقیده غالب، جرم قبل از آنکه پدیده‌ای جبرگرایانه و ناشی از عوامل قطعی و تغییرناپذیر محیط طبیعی باشد، پدیده‌ای اجتماعی و متأثر از شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه و مکان جرم است. برای تحلیل داده‌های انواع جرم از آزمون‌های آماری متفاوت استفاده شده است. آزمون تخمین تراکم کرنل نشان می‌دهد محله‌های امام‌شهر، آزادشهر، کوی فرودگاه، صفائیه و آتشکده، بیشترین میزان جرم را دارند. این محله‌ها به دلیل قرارگیری در اطراف محله‌های مرکزی شهر، بیشترین میزان جرم در زمینه اعتیاد و مواد مخدر و شرب خمر را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین محله امیرآباد و قاسم‌آباد نیز در زمینه اعتیاد، در مقایسه با محله‌های دیگر وضعیت مطلوبی ندارند. در مجموع می‌توان گفت در محله‌هایی که عناصر فرهنگی - مذهبی دارند، میزان جرم به مراتب پایین‌تر است. همچنین نقطه مرکز متوسط جرم (اعتیاد، کودک‌ربایی، شرب خمر، مزاحمت‌های خیابانی، چک برگشتی و...) تقریباً از بخش مرکزی شهر (مرز محله‌های خرمشاد و سر دوراهی) آغاز می‌شود و سپس به سمت محله‌های امام‌شهر و آزادشهر در شمال و شمال غرب و محله‌های اکبرآباد و کوی نواب و کوی راه‌آهن در سمت جنوب و جنوب غرب کشیده می‌شود. جهت بیضی انحراف معیار نیز برای انواع جرم، شمالی - جنوبی (محله‌های امام‌شهر و خرمشاد) و تمایل به شمال غربی (محله‌های آزادشهر) و جنوب غرب (کوی راه‌آهن) است. تحلیل‌ها براساس شاخص نزدیک‌ترین همسایه، نشان‌دهنده آن است که جرایمی چون اعتیاد، شرب خمر و کودک‌ربایی به صورت خوشه‌ای و جرایمی چون مزاحمت‌های خیابانی و چک برگشتی، به صورت تصادفی در سطح محله‌های شهر یزد توزیع شده‌اند. در مجموع، مقایسه عناصر فرهنگی - مذهبی موجود و توزیع انواع جرم در سطح محله‌ها نشان می‌دهد در محله‌هایی که عناصر فرهنگی - مذهبی بیشتری دارند، به مراتب میزان جرم کمتر است. مقدار F نیز در سطح ۹۹ درصد (Sig: ۰/۰۰۳) معنادار بودن رابطه دو متغیر را تأیید می‌کند.

با توجه به اینکه ارتکاب جرم، فضای خاص خود را می‌طلبد و فضاهای بی‌دفاع در محله‌های شهر یزد به صورت همگون توزیع نشده‌اند، بعضی نقاط خاص، قابلیت جرم‌خیزی بیشتری دارند. به نظر می‌رسد مسئولان امر باید در سطح خرد و در مقیاس محله‌ای و شهری، در جهت آسیب‌شناسی فضاهای کالبدی در مکان‌های تمرکز جرم، اقدام‌هایی برای جلوگیری از گسترش سایر کانون‌ها انجام دهند. در این راستا، پیشنهادها زیر برای پیشگیری از گسترش جرم در یزد ارائه می‌شود:

- ایجاد عناصر فرهنگی - مذهبی در محله‌هایی که این عناصر کم‌ترند و نسبت به جمعیت ساکن در آن‌ها، کمبودهای اساسی دارند؛
- گسترش برنامه‌های آموزشی - فرهنگی برای خانواده‌ها در زمینه پیشگیری از وقوع جرم در جهت افزایش آگاهی‌های آن‌ها از تأثیر جرم بر آینده خانواده‌ها و فرزندانشان؛
- احداث مراکز فرهنگی و همچنین برنامه‌های فرهنگی برای استفاده‌کنندگان از فضاهای سبز؛ چراکه فضاهای سبز شهری، به نوعی محل تجمع بعضی از افراد فرصت‌طلب و سودجوست و گاهی به محل مناسبی برای ارتکاب جرم تبدیل شده است؛
- کنترل مبادی ورودی و خروجی شهر با به‌کارگیری ابزارها و فناوری‌های جدید کشف انواع مواد مخدر و همچنین کنترل مهاجرت به محله‌های مختلف با استفاده از نتایج طرح‌های ممیزی شهرداری‌های مناطق؛
- اتخاذ راهبردهای مناسب برای مقاوم‌سازی فضاهای جرم‌خیز در برابر بزهکاری (آبادکردن کاربری‌های مسکونی مخروبه در دل بافت‌های قدیم)، گام اساسی دیگری برای کاهش جرم در محله‌های مختلف شهر یزد است. بهبود

بعضی از تسهیلات و تجهیزات، مانند نورپردازی مناسب و تجهیز این محدوده به امکانات کنترل تردد از این جمله است؛

- تبلیغ ارزش‌های اسلامی و پیشگیری از وقوع جرم از سوی هنرمندان متعهد، با استفاده از ابزارهای فرهنگ و هنر اسلامی موجود در محله‌های شهر یزد.

سپاسگزاری

این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی «بررسی تحلیلی فضایی کانون‌های جرم‌خیز در سطح محله‌های شهر یزد با تأکید بر برنامه‌ریزی فرهنگی»، با حمایت مالی صندوق حمایت از پژوهشگران کشور انجام شده است.

منابع

۱. افروغ، عماد، ۱۳۷۷، **فضا و نابرابری اجتماعی**، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۲. خاکپور، براتعلی و مرتضی رضائی، ۱۳۸۸، **ارزیابی تأثیر امکانات و خدمات فرهنگی بر کاهش جرایم شهر مشهد در راستای توسعه پایدار شهری**، همایش منطقه‌ای جغرافیا و توسعه پایدار شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیروان.
۳. سلامی، مهرداد، زهری، زهرا و علی اشرفی، ۱۳۹۱، **شناسایی و پهنه‌بندی کانون‌های وقوع جرم سرقت در شهر بیرجند**، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۲.
۴. سلطانی، محمدعلی، ۱۳۷۴، **اثرات جمعیت بر ناهنجاری‌های اجتماعی**، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۹.
۵. سلیمی، علی و محمد داوری، ۱۳۸۰، **جامعه‌شناسی کجروی**، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، تهران.
۶. شکویی، حسین، ۱۳۷۲، **جغرافیای اجتماعی شهرها**، اکولوژی اجتماعی شهر، نشر جهاد دانشگاهی.
۷. طاهرخانی، حبیب‌اله، ۱۳۸۱، **میزگرد ماهنامه شهرداری پیرامون امنیت شهری**، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۴۱.
۸. علیخواه، فردین و مریم نجیبی ربیعی، ۱۳۸۵، **زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری**، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۲.
۹. فکوهی، ناصر، ۱۳۸۵، **انسان‌شناسی شهری**، نشر نی، تهران.
۱۰. قرایی، فریبا، راد جهانیانی، نفیسه و نازیلا رشیدپور، ۱۳۸۹، **بررسی و سنجش حس امنیت در مناطق مختلف شهری (نمونه موردی: منطقه ۲ و ۱۱ تهران)**، مجله آرمانشهر، شماره ۴.
۱۱. کلانتری، محسن و سمیه قزلباش، ۱۳۸۸، **شناسایی کانون‌های جرم‌خیز شهری با استفاده از مدل‌های آماری گرافیک مینا و سامانه اطلاعات جغرافیایی GIS (مطالعه موردی: سرقت در شهر زنجان)**، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال چهارم، شماره ۱۱.
۱۲. کلانتری، محسن، هندیانی، عبدالله و محمدرضا سرمد، ۱۳۸۹، **نقش ابرکانون‌های جرم‌خیز در شکل‌گیری الگوهای فضایی بزهکاری (مطالعه موردی: ایستگاه بازرسی علی‌آباد شهر بیرجند)**، فصلنامه مطالعات نیروی انتظامی، سال پنجم، شماره ۴.
۱۳. کلانتری، محسن، ۱۳۸۰، **بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران**، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران، تهران.
۱۴. کلانتری، محسن و مهدی توکلی، ۱۳۸۶، **شناسایی و تحلیل کانون‌های جرم‌خیز شهری**، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، نشریه پلیس پیشگیری نیروی انتظامی، سال دوم، شماره ۲.
۱۵. مافی، عزت‌اله، ۱۳۷۸، **جغرافیای تطبیقی پاتولوژی شهری**، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۵۲ و ۵۳.
۱۶. مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰، **سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهر یزد**.

۱۷. مهندسان مشاور عرصه، ۱۳۸۵، طرح جامع شهر یزد.
۱۸. نجفی ابرنآبادی، علی‌حسین، ۱۳۸۳، **تقریرات درس جرم‌شناسی**، مجموعه دوجلدی، جزوه کارشناسی ارشد، مجتمع آموزش عالی قم.
۱۹. نصیری، معصومه، ۱۳۸۲، **اعتیاد و رابطه آن با مشاغل شهری**، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۰.
20. Adedayo, A, Faleti, S. A. and Durojaye O. B., 2011, **Urban Violence and Security**, Published National Open University of Nigeria, ISBN: 978-058-465-X.
21. Adedayo, A, Faleti, S. A. and Durojaye O. B., 2011, **Urban Violence and Security**, Published National Open University of Nigeria, ISBN: 978-058-465-X.
22. Afrough, E., 1998, **Space and Social Inequality**, Tarbiat Modarres University, Tehran. (*In Persian*)
23. Alikhah, F. and Najibi Rabiei, M., 2006, **Women and Fear of Crime in Urban Areas**, Journal of Social Welfare, Vol. 5, No. 22. (*In Persian*)
24. Clarke, R., 1997, **Situational Crime Prevention: Successful Case Studies**, 2nd Ed, Harrow and Hetson, New York.
25. Consulting Engineers of Arse, 2006, **Master Plan City of Yazd**. (*In Persian*)
26. Fakohi, N., 2006, **Urban Anthropology**, Nashre Ney, Tehran. (*In Persian*)
27. Felson, M. and Clarke, R. V., 2008, **Opportunity Makes the Thief Practical Theory For Crime Prevention**, Police Research Series Paper 98. Home office, Policing and Reducing Crime Unit, London Neighborhood Safety, Atlantic Monthly, Vol, 29.
28. Gharaei, F., Rad Jahanbani, N. and Rashidpoor, N., 2010, **Survey and Assessment Sense of Security in Urban Areas (Case Study: Regions 2 and 11 of Tehran)**, Utopia Journal, No. 4. (*In Persian*)
29. Kalantari, M. and Ghezelbash, S., 2009, **Urban Crime Hotspot Detection Using Statistical Models Based Graphics and GIS (Case Study: Robbery in Zanjan City)**, Journal Studies of Crime Prevention, Vol. 4, No. 11. (*In Persian*)
30. Kalantari, M. and Tavakoli, M., 2007, **Identification and Analysis of Crime Prone Urban Centers, Crime Prevention Studies**, Journal of The Police Prevented the Police, Vol. 2, No. (*In Persian*)
31. Kalantari, M., 2001, **Investigateing Crime in the Geographic Areas of Tehran**, PhD Thesis, Tehran University, Tehran.
32. Kalantari, M., Handiyani, A. and Sarmad, M. R., 2010, **Role of Crime Great Central in Shaping Spatial Patterns of Crime (Case Study: Ali Abad Checkpoint of Birjand City)**, Journal of Police Force Studies, Vol. 5, No. 4. (*In Persian*)
33. Khakpour, B. A. and Ramezani, M., 2009, **Assessing the Impact of Cultural Facilities and Services on Reducing Crime in City of Mashhad in the Direction of Sustainable Urban Development**, Regional Conference on Geographic and Sustainable Development Urban, Islamic Azad University, Shirvan. (*In Persian*)
34. Mafi, E., 1999, **Comparative Pathology, Urban Geography**, Geographical Research Quarterly, No. 52 & 53. (*In Persian*)
35. Najafi Abrndabadi, A. H., 2004, **Predicates Course Criminology**, 2 Volumes, Brochure of M.A., Higher Education Center of Qom. (*In Persian*)
36. Nassiri, M., 2003, **Addiction and Its Relation to Urban Jobs**, Geographical Researches Quarterly, No. 70. (*In Persian*)
37. Salami, M., Zahri, Z. and Ashrafi, A., 2012, **Identification and Zoning of Focus Occurrence of Robbery Crime in City of Birjand**, Security and Social Regularity Strategic Studies, Vol. 1, No. 2. (*In Persian*)
38. Salimi, A. and Davari, M., 2001, **Sociology of Distortions**, Institute of Science, Tehran. (*In Persian*)
39. Shokoee, H., 1993, **The Social Geography of Cities**, Urban Social Ecology, The Publication Of The University Jihad. (*In Persian*)

40. Soltani, M. A., 1995, **Effects on Population, Social Disorders**, Geographical Researches Quarterly, No. 39. *(In Persian)*
41. Statistical Center of Iran, 2006, **General Population and Housing Census**, City of Yazd. *(In Persian)*
42. Taherkhani, H., 2002, **Monthly Panel Discussion about the Safety of Municipal Utilities**, Municipal Monthly, No. 41. *(In Persian)*
43. Taylor, R. B., 1998, **Crime and Small Scale places**, National Institute of Justice (NIJ), It s online at: <http://www.nij.com>
44. Weisburd, D., 2004, **Criminal Careers of Places: A Longitudinal Study**, U.S. Department of Justice, National Institute of Justice.

